

# پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

## عنوان پایان نامه

آینه و کاربردهای آن در تصویرهای مثنوی

استاد راهنما

دکتر تقی پورنامداریان

استاد مشاور

دکتر نجف دری

دانشجو

عباس لایق

تابستان ۱۳۷۶

## فهرست مطالب

### فصل اول:

#### آینه در فرهنگها، تاریخ و روایات

مدخل ص ۷ ، تعریفها ص ۱۶ ، آینه سازی ص ۹ ، آینه در ایران ص ۱۳ تا ۱۴  
موارد بهره‌وری سنتی از آینه ص ۱۳ ، آینه و مشاغل ص ۱۴ ، تزئینات آینه ص ۱۵  
آینه و فرهنگ عامه ص ۱۶ و ۱۷ ، آینه و خواب ص ۱۸ ، ترکیبات لفظی با آینه ص ۱۹ تا ۳۰  
ترکیبات (لفظ - آینه) ص ۳۱ و ۳۲ ، ترکیبات تشبیهی ص ۳۲ تا ۳۴ ، ترکیبات فعلی ص ۳۴ تا ۳۸  
آینه در روایات و احادیث دینی اسلام ص ۳۸ تا ۴۵

### فصل دوم:

#### مولوی و تصویر آینه در مثنوی

مدخل ص ۴۷ و ۴۸ ، خلاصه‌ای از زندگی مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی ص ۴۹ تا ۵۲  
آثار مولانا ۵۲ و ۵۳ ، آینه و صفات مادی آن در مثنوی (آینه و جنس آن، صیقل و زنگ زدایی  
از آینه، شکل و قطع آینه، نگهداری و حفاظت از آینه، برخی صفات دیگر، طالبان و  
گریزندگان از آینه) ص ۵۴ تا ۶۵

## فصل سوم:

### آینه در تصویرهای مثنوی

- بخش اول : تلمیحات و اشارات ص ۶۷ تا ۸۰
- بخش دوم : صور خیال (تعاریف) ص ۸۱ تا ۸۸
- بخش سوم : مصادیق تصویر پردازی‌ها (تشبیه و آینه ص ۸۹ تا ۱۰۵، استعاره ص ۱۰۵ تا ۱۱۲، تشخیص ص ۱۱۲، ترکیبات و کنایات اعم از اسمی، فعلی ص ۱۱۳ تا ۱۱۹، ارسال المثل ص ۱۲۰ تا ۱۲۴، آینه و هنجارهای اجتماعی ص ۱۲۴ تا ۱۲۹).

## فهرست‌ها و جداول: ص ۱۳۰ الی ۱۷۸

- جدول عناوین آینه دار در مثنوی ص ۱۳۲ تا ۱۳۷، جدول موضوعی مطالب آینه دار در مثنوی ص ۱۳۷ تا ۱۴۲، فهرست الفبایی مفاهیم مرتبط با آینه در مثنوی ص ۱۴۲ و ۱۴۴، فهرست ابیات حامل لفظ آینه در کلیات شمس تبریزی ص ۱۴۶ تا ۱۷۱، فهرست ترکیبات اسمی و فعلی با آینه در کلیات شمس تبریزی ص ۱۷۲ تا ۱۷۴، فهرست منابع و مأخذ ص ۱۷۵ تا ۱۷۸.

# فصل اول

---

---

آینه

در فرهنگها

تاریخ و روایات

## بها لبو

# کرد آفاق کبردی بجز آئینه ترا صورتی کس نمساید که بدومی مانی<sup>(۱)</sup>

در روزگار ما شاید کمتر کسی را بتوان یافت که در روز حداقل چند بار به آینه نگاه نکند. در زندگی ملموس روزمره مردم این زمان آینه صرفاً جهت زینت و آرایش چهره (آنطور که از تعریف غیاث اللغات به نقل از بهار عجم برمی آید) نیست، بلکه حضورش در جریان زیست بشر اسیر مدنیت امری ناگزیر شده است و برای خود در جلوه‌های گوناگون تکنولوژی اعم از زمینی و فضایی جایی باز کرده است. و البته که این قدر و منزلت حاصل و نتیجه صفای آینه است و اندک کدورت آنرا از دایره خدمت و محبوبیت بیرون خواهد برد.

اما از آنجائیکه تعریف به عنوان مناسبترین مدخل ورود به گفتگو درباره هر موضوعی است در ابتدا به نقل تعریف آینه از برخی فرهنگهای در دسترس می‌پردازیم.

### تعریف‌ها:

آینه و آئینه ۲ - جسمی باشد شفاف از شیشه که صورت چیزها در آن نمایان گردد. و گاهی از

۱- سعدی، غزل شماره ۶۱۲۵ - ب، ص ۸۹۴ دیوان غزلیات، بکوشش دکتر حلیل خطیب رهبر

۴. لاد نیز سازند.<sup>(۱)</sup>

آئینه - مرکب از ائیس - منی زیب و آرایش و های نسبت، چه از دیدن آئینه زنت و آرایش میکند، اما آنکه در اصل آئینه بود آهین بزبان گیلان آهن را گویند و ظاهرست که آئینه در اصل از آهن ساخته شده بود (از بهار عجم)<sup>(۲)</sup>

آینه، [ی ن] آهن مصقول و آهن پرداخت کرده و شیشه و بلور پشت بزبیق کرده که صور اشیاء خارجی در آن افتد. مرات، آئینه، آبگین، آبگینه و از آن مسطح و محدب و مقعر باشد<sup>(۳)</sup>

آئینه: سطح صیقلی از شیشه صاف یا فلز که تصویر اشیاء را منعکس یسازد.<sup>(۴)</sup>

آئینه - ۱. (ی ی ن) «به» *ayenak* آینه: قطعه شیشه که در پشت آن ملغمه قلع و جیوه مالیده باشند، نور را منعکس میکند و انسان چهره خود را در آن می بیند. به اندازه ها و شکل های مختلف ساخته میشود، نوعی از آن آئینه کروی است، آینه کروی اگر طرف بیرونش منعکس کننده باشد آئینه محدب و اگر سطح داخلی آن منعکس کننده باشد آئینه مقعر نامیده می شود.<sup>(۵)</sup>

همچنین در سه فرهنگ اصطلاحات نجومی، معارف اسلامی و لغات و تعبیرات مثنوی تعاریف زیر آمده است:

آینه - (ک) و آئینه، کنایه یا تشبیه یا تعبیر دیگری است از خورشید و گاهی ماه یا آسمان، در ترکیبات وصفی و تشبیهی: آینه آسمان، آینه چرخ، و آینه چینی، آینه سکندری، آینه صبح، آینه گردان، آینه گردون، آینه ماه، آینه محشر، آینه مهر.<sup>(۶)</sup>

آینه - (اصطلاح عرفانی) چیزی است که صورت اشیاء در آن انعکاس یافته نموده شود عارفان این کلمه را با استعارت به معانی متعدد گیرند و اغلب به معنی قلب انسان کامل است و انسان را از جهت مظهریت ذات و صفات و اسماء آینه گویند و این معنی در انسان کامل که مظهریت تامه دارد اظهر است.<sup>(۷)</sup>

۱- برهان قاطع ذیل لفظ آینه.

۲- عیاب اللغات ذیل لفظ آینه.

۳- دهخدا ذیل لفظ آینه.

۴- معین ذیل لفظ آینه.

۵- عمید ذیل لفظ آینه.

۶- فرهنگ اصطلاحات نجومی

۷- فرهنگ معارف اسلامی، سید جعفر سجادی

آینه - (ف.م) صفحه‌ای صیقلی که در قدیم از آن مصقول می‌ساختند و امروز از شیشه‌ای که یک رویش را با جیوه آلوده کنند سازند تا اشیاء در آن منعکس شوند در مثنوی گاهی این کلمه کنایه شده است از قلب مؤمن. و دل صوفیان و مرد کامل که نقوش عالم هستی در آن منعکس است.<sup>(۱)</sup>

آنچه پیداست محوری ترین و یگانه خاصیتی که وجه اشتراک تمامی تعاریف ذکر شده در بالاست خاصیت انعکاس و نمایاندگی آینه است. و همین خاصیت است که دستمایه بهره گرفتن از عنصر آینه در پهنه ادب و هنر شده است.

### آینه سازی:

ناگفته پیداست که آینه جسمی نبوده که دقیقاً با خاصیت انعکاس و نمایاندگی در پیکره طبیعت موجود باشد بلکه ساخته و پرداخته بشر است. در ادبیات فارسی ساختن آینه را به اسکندر نسبت داده‌اند و حکایت آن طی صفحات یکصد و پنجاه تا یکصد و پنجاه و سه تا شرفنامه حکیم نظامی گنجوی آمده است و خلاصه آن این است که به دستور اسکندر زر و نقره را آب کرده و در قالب می‌ریزند تا از آن آینگی بیابند که تجربه موفقی نمی‌شود ولی در گذر زمان از آهن صیقل زده خاصیت نمایاندگی و انعکاس می‌یابند و آینه‌ای می‌سازند که چهره در آن بشکل طبیعی دیده می‌شود.<sup>(۲)</sup>

در روایت دیگری که فردوسی نقل می‌کند گرچه اسکندر در آن دارای نقش است اما سازنده آینه فرد دیگری است و خلاصه آن روایت این است. اسکندر در داستان آزمایش فیلسوف هندی و پزشک و جام که از کید پادشاه هند بعنوان هدیه دریافته بود جامی از روغن برای دانشمند هندی می‌فرستد تا تن را با آن چرب کرده و از رنج راه بیاساید دانشمند سوزنهای بی‌شماری در روغن می‌افکند و آنرا باز پس می‌فرستد، اسکندر دستور می‌دهد تا از آن سوزنها مهره‌ای گرد و آهنی بسازند و آن را به نزد حکیم باز برند و حکیم هندی آهن گرد را صیقلی و از آن آینه‌ای روشن می‌سازد.<sup>(۳)</sup>

بهر تقدیر آنچه بدیهی است این است: بشری که با دیدن تصویر خود در آب به خاصیت انعکاس

۱- فرهنگ لغات و تعبيرات مثنوی، سید صادق گوهرین

۲- حکیم نظامی گنجوی، شرفنامه، ص ۱۵۰ تا ۱۵۳ بکوشش مرحوم وحید دستگردی

۳- حکیم ابوالقاسم فردوسی شاهنامه، جلد پنجم، ص ۱۳۷۸ زیر عنوان از مومن اسکندر فیلسوف و پزشک و جام فرستاده کید هندی را

تصویری برده بود با کشف فلزات توانست آینه را بسازد<sup>(۱)</sup> و احتمالاً آینه یکی از نخستین ابزارهای دست ساخت آدمی است که با شناخت فلز و توانایی در پیرااخت آن ساخته شده است.<sup>(۲)</sup> موضوع بهره‌وری از فلزات در آینه سازی تا قرن شانزدهم میلادی ادامه داشته، از آن زمان به بعد بود که آینه‌های شیشه‌ای ساخته شد.<sup>(۳)</sup>

## آینه در ایران:

در ایران قدیم‌ترین آینه‌ها از حفريات تپه سیلک (نزدیک کاشان) بدست آمده. این آینه‌ها عبارت بوده‌اند از صفحات مدوری از جنس مس که اطراف آن اندکی برآمده ساخته شده بود و فاقد دسته بوده‌اند.<sup>(۴)</sup> آینه‌های مسی دسته‌داری نیز در کاوشهای دشت لوت به دست آمده که متعلق به هزاره ۳ ق م است (حاکمی، ۳۰) با آغاز دوره مفرغ در پایان هزاره ۳ ق م (گیرشمن<sup>(۵)</sup>، همان، ۴۹) آینه‌های مفرغی جایگزین آینه‌های مسی شد. در کاوشهای شوش، تپه حصار دامغان، خوروین قزوین، املش گیلان و نیز در میان برنزهای لرستان به این گونه آینه‌ها دست یافته‌ایم.<sup>(۶)</sup>

به این ترتیب بر می‌آید که ساختن آینه در ایران از هزاره چهارم قبل از میلاد آغاز شده باشد. و سیر آن در ادوار تاریخی ایران بنحوی بهتر و مطلوبتر ادامه یافته است.

اگر چه متأسفانه از دوره امپراطوری با عظمت هخامنشی آینه‌ای بدست نیامده اما لازم است از کاخ تجرای (کاخ زمستانی) داریوش نام برده شود، این بنا که از کاخهای زیبای تحت جمشید بوده و قسمتی از آن مانند درگاهها، طاقچه قسمتی از دیوارهای آن تقریباً سالم مانده از سنگ سیاه کاملاً صیقلی ساخته شده است. شفافیت سنگهای این کاخ بویژه قسمت داخلی پنجره‌های تالار مرکزی به

۱- هنر و مردم، شماره ۴ - دوره جدید، صفحه ۲۴ به بعد مقاله آینه و سرگذشت آن، محمد حسن سمندر

۲- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی

۳- هنر و مردم، شماره ۴، دوره جدید، صفحه ۲۴ به بعد، مقاله آینه و سرگذشت آن، محمد حسن سمندر

۴- پیشین

۵- گیرشمن، رومن (romany girsman)، ۱۸۹۵؛ باستانشناسی فرانسوی در ایران متخارکوف، روسیه چند سال در کاوشهای مختلف باستانشناسی ایران نظارت داشته است؛ تپه‌های سیلک (بزرگ کونتو) شاپورگزرین (۱۹۴۰-۲۱) و شوش (از ۱۹۲۶) اثر ۱۹۴۱ - رئیس هیئت اعرامی - باستانشناسی فرانسه به افغانستان بود و کاوشهایی در آنجا صورت داد. در مسجد سیمان جمارنیش، و غاری در بحبیری نیز حفاری کرده کتاب ایران از اعرام اسلام او به فارسی ترجمه شده است (۱۳۶۶ ه.ش)، در ۱۹۶۵ به عضویت آکادمی کیهان انتخاب شد.

دایرةالمعارف فارسی - غلامحسین مصاحب

۶- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی



میزانی است که تصویر چهره بخوبی در آن معکس می‌شود، به همین سبب این تالار را «تالار آینه» نامیده‌اند تالار مرکزی کاخ تجلی را باید اولین تالار آینه ساخته شده در جهان دانست.<sup>(۱)</sup>

همانطور که اشاره شده نخستین آینه‌های ساخته شده از جنس فلزات بوده‌اند و البته این فلزات در طول زمان بسته به مقدورات و تجربیات بشر متفاوت بوده است مثلاً مفرغ، نقره مس، آهن و برنز. در قرن هفدهم میلادی اولین آینه‌های بلورین در ونیز ساخته شد، در ابتدا پشت آینه‌ها را جیوه و نقره می‌گرفتند. مدتی نیز روی شیشه قلع و روی آن را جیوه می‌ریختند، چون مخلوط این دو بخوبی روی شیشه ثابت می‌ماند، اما این کار با زحمت زیاد و صرف وقت فراوان توأم بود. گاهی نیز پشت شیشه را تنها نقره می‌گرفتند و برای حفظ نقره روی آن را رنگ می‌زدند از اواخر قرن هفدهم آینه‌های بلورین به ایران آورده شد.<sup>(۲)</sup> اگر چه در ابتدا به دلایلی چون:

۱- هنر و مردم، شماره ۴ - دوره جدید - ص ۲۵، مقاله آینه و سرگذشت آن، محمد حسن سسوار

۲- آینه شیشه‌ای در سده اول م نخستین بار در شهر صیدون (صیدا در لبنان امروز) که در شیشه‌گری شهرت بسیار داشت اختراع و ساخته شد (پیش، ۱۵۳) در پایان روزگار امپراتوری روم (سده ۳۰۲ م) آینه‌های شیشه‌ای جای آینه‌های فلزی سیم اندود را گرفت (EWA, 996) در کوشتهای باستان شناسی هفتون تپه سنماس (در آذربایجان) آینه‌های شیشه‌ای کوچکی با پوششی از قیر به دست آمده که همانند آینه‌های امروزی است و به آغاز سده ۴ م منقش دارد و به نظر می‌رسد در ساخت آنها نقره به سیماب به کار رفته باشد (بورنی، ۱۶۹، ۱۷۱). از دوره ساسانی قبا آینه سیمی در دست است که بخش شیشه‌ای آن از میان رفته و نقش پشت آن نگاره یک مرغابی است که گرداگرد آن را طرحی اسلیمی پوشانده است (واندسبرگ، ۷). پیش از پایان سده‌های میانه، هر چند روش ساختن آینه‌های شیشه‌ای با پوششی از لانه قوهای جوی سیم، زر، قلع، سرب یا آمیزه‌ای از سرب، آنتیمون و قلع گذاخته و گاهی ریختن سیماب بر یک صفحه نازک قلع و نهادن جام شیشه بر آن شناخته شده بود (EWA, 996). اما هنوز آینه‌های فلزی به ویژه آینه‌های فولاد و نقره، بیش تر به کار می‌رفت (بریتانیکا، ج ۶).

پس از فراوان شدن ساسانیان فلزکاری در ایران، به ویژه در سده‌های نخستین اسلامی، کم و بیش بر همان روش دوره پیشین بود (حسینی، ۲۵۲، کوش، ۲۱). همانندی ساخت آینه‌ها در دوره اسلامی و نگاره‌ها و آرایه‌های پشت آنها (چون نقش شکارگاه، دایره به هم پیوسته، پیکره بهرام گور و زاده و جز آن) با نگاره‌های ظروف نقره‌ای ساسانی شاهد این مدعا است (ویلسن، ۱۲۹؛ یوب، توجه‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۲)، با این حال کاربرد خط کوفی در حاشیه آرایه پشت آینه‌ها، که بیش تر حاوی طلب عزت، نیکی، فراوانی و ندرستی برای دارنده آن است، منشأ اسلامی دارد. آینه‌های گرد دسته‌دار و بی‌دسته، که از یک سو پرداخته و شفاف و از سوی دیگر آراسته به نقش و نگاره‌هایی برجسته چون پیکره‌های انسان و جانور و گل و برگ و خطوط تزیینی به ویژه خط کوفی بودند، در سده‌های بی دربی در دوره اسلامی ساخته می‌شد. بخش مهمی پشت آینه‌های بی‌دسته همواره برجستگی کوچکی داشت که حلقه‌ای در آن، که از این حلقه برای آویختن آینه به دیوار استفاده می‌کردند. آینه‌های دسته‌دار نیز گذشته از آرایه‌های پشت، دارای دسته‌های آراسته و سوهانکاری شده و پیکره‌دار بودند.

آینه معمولاً در شهرهایی که مرکز فلزکاری بود ساخته می‌شد. شهر همدان در سده‌های نخستین اسلامی از مهم ترین این مراکز بود و آینه‌های ساخت این شهر، شهرت بسیار داشت (ابن فقیه، ۲۵۳)، چینه‌دستی مردم فارس در فلزکاری در سده‌های ۳ و ۴ ق/ ۹ و ۱۰ م به پایهای رسیده بود که درباره آن نوشته‌اند: پروردگار توانا آهن را از برای مردم فارس نرم و رام ساخته. تا هر چه می‌خواست از آن سازند (همو، ۲۵۲) در سده‌های ۶ ق/ ۱۲-۱۲ م گذشته از همدان و فارس، شهرهای بزرگ خراسان و سیستان در ساختن ابزارهای برنزی (هزاری، ۲۴۸۱-۲۴۸۰)، دموید و فوس (دامغان) در ساخت ابزارهای آهنی، وری در ساختن این هر دو نوع نامور بودند (آلن، ۶۷) بدترین می‌توان احتمال داد که همه این مراکز سازنده آینه‌های برنزی و آهنی نیز بوده‌اند. در سده ۶ ق/ ۱۲ م ساخت آینه‌های سیمی و برنزی آراسته به نقش برجسته آدمی - حیوان (مانند شیر - آدم) و خط کوفی تزیینی به طور چشمگیری گسترش یافت (حسینی، ۲۵۶؛ دیمانند، ۱۳۹). این گونه آینه‌های ساخت ایران در دورترین نواحی آسیای میانه چون هفت رود در شرق (پوگاجنکو، ۳۶)، تا مصر در غرب (داون، لوحه ۱۶۴) برده می‌شد. نمونه‌هایی از آنها در کاوشهای باستان شناسی در سوزمینهای اسلامی به دست آمده است. نقش شیر - آدمها در آینه‌ها گاهی تک و گاهی دوتایی است («مجموعه هرامنک»، ۱۶۲). نگاره‌هایی چون نقش برجسته‌های اسدنی،

الف: قابل رقابت بودن آینه‌های فلزی عصر از جهت شفافیت با آینه‌های بلورین به سبب مقدار زیاد نقره‌ای که در آنها آن بکار می‌رفت.

ب: کمتر در معرض خطر شکستن قرار داشتن آینه‌های فلزی

ج: مقاومت آینه‌های فلزی در برابر هوای خشک ایران در مقایسه با آینه‌های بلورین آن عهد.

آینه‌های بلورین در مقابل آینه‌های فلزی قافیه را باختند و ایرانیان آینه‌های فلزی را بر بلورین

ترجیح دادند اما بتدریج با توسعه تجارت ایران و اروپا و پیشرفت فن آینه سازی و ارزان شدن آن بسبب

فراوانی، آینه‌های فلزی از استفاده افتاد و به کلی فراموش گردید.

آینه‌های بلور اولیه گران قیمت و اغلب قطور و به «آینه سنگ» مشهور بود.<sup>(۱)</sup>

جانوران، پرندگان، فرشتگان در حال پرواز، ماهی و جز آن، از دیگر آرایه‌های پشت این آینه‌هاست (پوپ، لوحه 1301-1302؛ دیماند، ۱۳۹). در این روزگار آینه‌های فلزی را در ایران یا روکش از سیماب می‌ساختند که به همین جهت درخشندگی بسیار داشتند (نظامی، خسرو و شیرین، ۸۰). شیوه دیگر روکش کردن آینه‌های مسی و برنجی این بود که نخست صفحه‌ای از مس یا برنج نیک پرداخت شده (صیقل یافته) را با آب لیمو می‌شستند تا چربی از آن کاملاً زدوده شود؛ آنگاه آمیزه‌ای از سیماب زنده و نقره بر آن می‌انداختند و بر آنتی می‌نهادند تا سیمابش تصعید گردد، سپس آن را جلا می‌دادند، بدین سان آن صفحه سیماب اندود تصعید می‌شد (عقلی خراسانی، ۲۸۴). آینه فلزی را اگر در جای نمناک می‌نهادند زنگ می‌زد، بنابراین برای جلوگیری از زنگار گرفتن آینه آن را در آینه دان یا پوشش نم‌دین می‌نهادند (خنجی، ۲۰۲؛ لغتنامه فارسی). آینه زنگ زده یا آینه گر می‌بایست دوباره صیقل و جلا دهد. این کار نخست با سنگ سنباده کوبیده بسیار نرم (شاردن، ۳۲۴؛ عقلی خراسانی، ۳۲۵) و سپس با خاکستر انجام می‌گرفت (نظامی، لیلی و مجنون، ۳؛ کلیم، ۲۵۹) کسانی که به زدودن زنگ از آینه می‌پرداختند، آینه افروز، آینه پیرا، آینه پرداز و ... نام داشتند.

ساختن و بهره‌گیری از آینه‌های شیشه‌ای هر چند در اروپا در سده‌های میانه شناخته شده بود، اما روح و رونق نداشت. در پایان سده ۱۶ ق/۱۲ م و آغاز ۱۳ ق/۱۷ م بار دیگر ساختن این گونه آینه‌ها رایج گردید. ونیزها در این کار پیشگام بودند و مرکز مهم تولید آن جزیره مروانو بود (دورانت، رنسانس، ۲۲۴). سپس در نورنبرگ نیز کارخانه‌های آینه‌سازی ایجاد شد (بریتانیکا، ج 6) و از این دو مرکز به دیگر جاهای اروپا پراکنده گردید. در میانه سده ۱۱ ق/۱۷ م ساخت آینه در سراسر اروپا گسترش یافت و کاربرد آن روزافزون گردید.

روش جدید آینه سازی، یعنی نه نشست دادن فشری شفاف از نقره بر شیشه، در ۱۲۵۱ ق/ ۱۸۳۵ م توسط شیمی دان آلمان، یوستوس فون لیبیگ، ابداع گردید. این شیوه ساخت دگرگونی بزرگی در کار آینه‌سازی پدید آورد (همنجا). از نیمه اول سده ۱۰ ق/۱۶ م آینه‌های ساخت ونیز به وسیله بازرگانان ایتالیایی به ویژه ونیزها به ایران آورده شد. این گونه آینه‌ها بسیار کم‌بهره و گران بود. با این حال کاربرد آنها در آرایه‌های معماری از همین زمان آغاز شد (نکته آینه کاری). در این روزگار با آنکه در اروپا آینه‌های شیشه‌ای جای آینه‌های فلزی را گرفته بود، در ایران هنوز به شیوه کهن آینه‌های فلزی ساخته می‌شد و به کار می‌رفت. احتمالاً سبب گرایش ایرانیان به این گونه آینه‌ها این بود که کمتر آسیب می‌پذیرفتند و به ویژه در هوای خشک دوام بیش‌تری داشتند، در حالی که همین خشکی هوا سبب می‌شد که قلع پشت آینه‌های شیشه‌ای بریزد و چون ایرانیان از شیوه بازسازی این آینه‌ها آگاهی نداشتند، به استفاده از آنها گرایش زیادی نشان می‌دادند (شاردن، ۳۲۴). به همین سبب تا دوره صفویان در پایتخت ایران، اصفهان، بازار آینه‌سازان در کنار دیگر بازارها همچنان بر پا بود (همو، ۱۴۱). تولید انبوه آینه به روش تازه در اروپا و ورود بسیار آن به ایران ساخت آینه فلزی را در این کشور نیز به فراموشی سپرد. در سده ۱۳ ق/۱۹ م آینه گران اصفهانی جامه‌های شیشه را که از اروپا و حلب می‌آوردند، خود با اندود جیوه به آینه تبدیل می‌کردند، اما در آغاز سده ۱۴ ق/۲۰ م از شمار این گروه بسیار کاسته شد و تنها چند تنی از آنان به نام «جماعت آینه ساز» برجای ماندند

(دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تحویلدار، ۱۰۰).

## موارد بهره‌وری سنتی از آینه :

علاوه بر استفاده‌های روز رهای که از آینه می‌شده موارد بهره‌وری دیگری هم وجود داشته است در طب قدیم از آینه‌هایی برای دیدن درون اندام‌ها استفاده شده و ظاهراً بنام همان اندام خوانده می‌شده است، مانند: آینه بینی، آینه چشم، آینه حلق، آینه حنجره، آینه دهان، آینه رحم، آینه گوش<sup>(۱)</sup>. دیگر استفاده آینه در طب قدیم این بوده که جهت تشخیص مرگ و حیات کسی که سکنه زده بوده آن را جلو دهان و بینی او می‌گرفته‌اند، اگر کدر می‌شد و به آن بخار می‌نشست بیمار زنده بود والا تمام کرده بود.

در فرهنگ جهانگیری ذیل آینه چینی بیتی از یوسف طیب نقل شده که به مورد دیگری از بهره‌دهی آینه در طب اشاره دارد:

«آنرا که رسد از مرض لقوه گزند      بساید که بیاد دارد از من این پند  
آینه چینی به نظر آورده      در خانه تاریک نشیند یکچند<sup>(۲)</sup>»

از دیگر موارد بهره‌وری از آینه استفاده جهت دیدن ته چاه و داخل آب انبارها بوده به این صورت که آنرا مقابل شعاع خورشید قرار می‌دادند و نور خورشید را به محل مورد نظر انعکاس می‌دادند و این کار را اصطلاحاً آینه انداختن می‌گفتند.<sup>(۳)</sup>

استفاده جهت تزئین بقاع و مشاهد متبرک و خانه‌های اعیان و اشراف دیگر مورد بهره‌وری از آینه بوده است.

شاید بتوان بستن و پوشیدن پاره‌های آهن توسط جنگجویان را هم از دیگر موارد استفاده آینه دانست.

چو چار آینه<sup>(۴)</sup> بست در کار زار      به نظاره شد چشم گردون چهار

آنگونه که از داستان آینه سکندر بر می‌آید اسکندر با نصب آینه‌ای حراقه بر فراز مناره‌ای در اسکندریه از آن استفاده نظامی می‌برده است. که به هر حال نوعی دیگر بهره‌وری از آینه است.<sup>(۵)</sup>

۱- لغتنامه دهخدا، ذیل واژه آینه

۲- فرهنگ جهانگیری، ذیل واژه آینه چینی

۳- تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (زندگی کب و کار) ج ۲ - مقاله آینه‌سازی

۴- چار آینه نوعی از لباس جنگ است که چهار تخته از آهن ساخته و در مخمل گرفته گرد پلست و سببه کشند.

۵- برگرفته از کتاب اسکندر و ادبیات ایران و شخصیت مذهبی اسکندر، تألیف سید حسن صفوی، زیر عنوان آینه اسکندر و حصار افسانه‌ای، ص ۲۱۴

## آینه و مشاغل

- ۱ - اوّل شغل کاملاً مرتبط با آینه که در نخست وهله به ذهن متبادر می‌شود آینه سازی است و آن عبارت از جیوه کردن شیشه و آن را به صورت آینه درآوردن است. همین شغل در رابطه با آینه‌های فلزی، جلا و صیقل فنز تا رسیدن به مرز انعکاس بوده است.
- ۲ - در فرهنگها از آینه افروز نام برده شده و آنرا مُجلی، آینه زدای، آنکه آینه را روشن کند ذکر کرده‌اند (این کار هم در رابطه با آینه‌های فلزی و هم در رابطه با آینه‌های بلورین می‌تواند اعمال شود و مصداق داشته باشد. البته درباره آینه‌های بلورین شاید مناسبتر عنوان جیوه گر باشد یعنی کسی که جیوه آینه را ترمیم می‌کند)
- ۳ - شغل آینه داری که همان شغل سلمانی و مزین است (آینه داری در معانی دیگر هم بکار رفته که اشاره خواهد شد)
- ۴ - آینه کاری یا آینه چسبانی: <sup>(۱)</sup> شغلی بوده برای تزئین عمارت و سقف و بدن ساختمانهای معابد و قصور سلطنتی و اعیان بدینصورت که آینه‌های جام را به قطعات هندسی منظم بریده بر روی گچ کاری‌ها و مُخَلل و فرج طاق و دیوارها می‌چسبانند.

۱- آب آینه همواره، نزد ایرانیان به صورت دو نماد پاک، روشنایی، بخت، راستگویی و صفا شمرده شده است و شاید به کارگرفتن آینه به عنوان یکی از آرایه‌های بنا با این امر بی‌ارتباط نباشد. بهره‌گیری از قطعه‌های آینه و آینه کاری به صورتی که اکنون مشاهده می‌گردد خاستگاه و ریشه‌ای اقتصادی دارد. آینه‌های شیشه‌ای که از سده‌های ۱۰ و ۱۱/۱۶، ۱۷م به عنوان یکی از افلام وارداتی از اروپا، به ویژه از وین به ایران آورده می‌شد، به هنگام حمل و نقل در راه می‌شکست. هنرمندان ایرانی برای بهره‌گیری از این قطعه‌های شکسته، راهی ابتکاری یافتند و از آنها به صورت آینه کاری استفاده کردند. (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)

حاصل هنر آینه کاری ایجاد فضایی درخشان و بر تلافی است که از نارنگی بی در پی نور در قطعات بی شمار آینه پدید می‌آید. پیشینه این هنر که یکی از رشته‌های هنر تزئینی ایران در داخل آینه و از ابتکارات ویژه هنرمندان ایرانی به شمار می‌آید، به سبب کمبود مدارک و شواهد چه به شکل نمونه‌های بازمانده، چه به صورت اسناد و مدارک مکتوب چندان روشن نیست. سایر مدارک موجود گویا برای نخستین بار آینه در تزئین بندی دیوان خانۀ شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۳ ق/ ۱۵۴۴ - ۱۵۷۶ م) در قزوین به کارگرفته شده است. خواجه رین العابدین علی عبیدی بیک نویدی شیوازی (۹۲۱ - ۶۸۸ ق/ ۱۸۵۱۵ - ۱۵۸۰ م) در کتاب دوحة‌الآزهار (ص ۹۷) که تاریخ تألیف آن پیش از ۹۵۵ ق/ ۱۵۴۸ م است در وصف دیوان خانۀ قزوین بیت زیر را سروده که در آن به نصب آینه در ایوان بنا اشاره‌ای دارد.

به هر ایوان که آید در مقابل  
سود آینه بختش مقاب

با آگاهی از اینکه ساختمان دیوان خانۀ قزوین در ۱۵۲۴/۹۵۱م آغاز گشته و در ۱۵۵۸/۹۵۶م پایان یافته است می‌توان نتیجه گرفت که پیشینه کاربرد آینه در بنا حداقل به بیعۀ سده ۱۰ ق/ ۱۶م می‌رسد. کار بود آینه در ساختمان که در قزوین آغاز گردید، پس از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان (۱۰۷ ق/ ۱۵۹۸م)، در این شهر و دیگر شهرهای ایران چون اصفهان (پهنهر) گسترش یافت (هربرت، ۱۷۵)؛ و در تزئین بسیاری از کتبه‌های دورۀ صفوی که شمار آنها به نوشته شاردن تنها در اصفهان به ۱۳۷ دستگاه می‌رسد (ص ۹۷)، از این هنر بهره گرفته شد.

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ص ۲۷۲

۵ - آینه‌گری: که احتمالاً همان آینه سازی یا آینه پردازی و تعمیر آینه بوده است.

۶ - آینه فروش: آنکه آینه می‌فروشد و آینه فروشی شغل اوست.

## تزیینات آینه

**الف:** از تزییناتی که برای آینه بوده نخست دسته‌های آینه‌های فلزی باید ذکر شود که اغلب سوهانکاری شده و قلمزده و برجسته بوده است<sup>(۱)</sup>

**ب:** پایه در آینه‌های پایه دار از دیگر تزییناتی است که در آینه سازی بکار رفته.

**ج:** در دوره‌های اولیه ساخت آینه‌های فلزی یک سوی آن را بانقوش برجسته شامل تصاویر حیوانات و گل و گیاه زینت می‌دادند و حلقه‌ای نیز در پشت آن قرار می‌دادند تا بتوان آنرا آویزان کرد.<sup>(۲)(۳)</sup>

**د:** در گذر زمان قابهای گوناگون از طلا و نقره و برنز و گچ و ورق گل زده برنج تا حلبی‌های نقش و نگار زده برای آینه بکار می‌بردند که از دیگر زینت‌های آینه بوده<sup>(۴)</sup>

**ه:** تور و پارچه کشیدن بر روی آینه از امور متداول بوده که اکثر خانه‌دارها آینه‌هایشان به

۱- هنر و مردم شماره ۴، دوره جدید، ص ۲۶

۲- همان مأخذ

۳- در دوره اسلامی نیز به اعتبار روایتی که ۲ نمونه آن آورده می‌شود وجود این حلقه از جنس نقره مرسوم بوده است.

احمد بن محمد البرقی فی المحامین عن ابی القاسم علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر قال سألت عن المرأة هل یصنع امساکها اذاکن لها حلقه فضه

قال نعم ... (وسائل الشیعه ج ۳ باب ۶۷ ص ۵۱۱ روایت ۲۳۲۱)

... سؤال کردم از آینه، آیا صلاح است نگهداری آن زمانی که برای آن حلقه نقره‌ای باشد، فرمود: بلی...

روایت الحمیری فی قرب الاسناد و عن عبد... بن الحسن عن جده علی بن جعفر عن اخیه مطلقه الا انه قال و سألت عن المرأة هل یصنع العمل بها اذاکن لها حلقه فضه قال نعم (بخارج ۶۶ ص ۵۲۷ روایت ۳ باب ۵)

... و سؤال کردم از آینه آیا صلاح است درست کردن (بکار بردن) آن زمانی که حلقه نقره‌ای دارد، فرمود: بلی...

۴- همان آغاز ورود آینه شیشه‌ای به ایران، کوشش برای آراستن آنها با قابهای گوناگون آغاز گردید و ساختن قاب آینه کاری هنری شد. جنس این قاب‌ها گوناگون بود. زیباترین آنها قاب آینه‌های روغنی (زیر لاک) بود که از دیدگاه زیبایی و طرافت از آثار هنری به‌شمار می‌آمد. این قاب‌ها به‌وسیله هرمدان نگارگر که پیش تر به قلمدان سازی می‌پرداختند، ساخته می‌شد. در این هنرنمایی (نقاشی) چون علی اشرف، صادق، باقر، محف و دیگران شهرتی یافتند. از این قاب آینه‌ها که بیشتر ساخت شیراز، اصفهان، تهران و تبریز بود به جای آینه دستی بهره می‌گرفتند. قاب آینه‌های تخت را در شیراز، اصفهان و قبه‌ی منت را در آبد و خوانسار و ورشت می‌ساختند. این هر دو نوع بصورت کشویی و لولایی ساخته می‌شد و از نظر ظرافت و زیبایی در خور توجه بود، چند آینه‌های کوچک جیبی را نیز از پرچه‌های ترمه، زربفت، محمل و جز آن می‌دوختند که بیشتر اینکلابتون دوزی شده بود، همچنین برای آینه‌های قدی و بزرگ و آینه‌هایی که بر طاقچه آنها نهاده می‌شد، جارچوبه و قابهای نقاشی شده و مذهب فراهم می‌آوردند. در فرودین گونه‌ای قاب آینه دردار رنگ روغنی در اندازه‌های بزرگ و کوچک ساخته می‌شد که از زیبایی ویژه‌ای برخوردار بود (گلریز ۱۷۷۳). قابهای سپین قلم‌زده‌ای نیز ساخته می‌شد که جای آنها با تونجهای زیر آراسته و گاهی بند کناری می‌گردید. همچنین گونه‌ای قابهای سپین منگه‌ای را که نگاره‌های آنها با قالب و فشار منگنه بر ورقه‌ای نقره پدید می‌آمد در سربز و زحان و شیراز می‌ساختند (ادریه‌المعارف بزرگ اسلام ص ۲۷۰)

همین صورت ضمنی تزئین از گرد و غبار و فضول حشرات محفوظاً می‌داشتند.<sup>(۱)</sup>

## آینه و فرهنگ عامه

در فرهنگ ملی ایران آینه را جایگاهی رفیع و پر عزت است، بر سفره عقد می‌نشیند و آینه بخت عروس می‌شود، که تا پایان زندگی از آن چون جان محافظت کنند، روشنای سفره هفت سین است. همنشین قرآن در خانه و کاشانه نو است.

تیمناً همراه آب و قرآن بر سر مسافر گرفته می‌شود تا مسافر با گذر از زیر آینه و قرآن سفری به میمنت و مبارکی داشته باشد. می‌گویند کسی که هلال ماه نو را می‌بیند قبل از هر چیز باید که به آینه یا طلا نگاه کند که اگر چنین نکند و نظرش بر کسی افتد برای آن فرد شری رخ خواهد داد.

و یا اینکه در برخی نواحی ایران معمول بوده است که هرکس را فرزندی می‌زاد برای اظهار شادی آئینه‌ای به پیشانی خود می‌بست.<sup>(۲)</sup>

نیز در این باره گفته‌اند رسم خواتین ولایت است که در حالت تقطیع (آراستن خویش را به جامه و غیره) آینه بر پیشانی می‌بندند صائب می‌گوید که:

هر چه در خاطر من می‌گذرد می‌دانند سادگی آینه بستت به پیشانی من<sup>(۳)</sup>

اضافه بر اینها در فرهنگ کلامی مردم این سرزمین آینه هم در ضرب‌المثل‌های مردم راه یافته و هم در لطائف؛ فی المثل به آنکه خود صورتی نازیبا و سیرتی زشت دارد و دیگری را به نازیبایی و زشتی سرزنش کند می‌گویند که آینه‌اش را گم کرده است.

هنگامیکه چیزی خوب و نیکو در دست کسی است که از آن خوب کراهت دارد و قدر آن را نمی‌داند آن را به آینه در دست زنگی بودن تعبیر می‌کنند.

برای کسی که به کاری مبادرت می‌ورزد که حاصلی و نتیجه‌ای از آن نمی‌یابد آینه‌داری در بین کوران را مثل کرده‌اند.

در عالم مزاح وقتی می‌خواهند دو کار را برابر کنند و بی‌اعتبارش بخوانند چنین می‌آورند که آئینه

۱- تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (زندگی کسب و کار) ج ۲، مقاله آینه ستاری

۲- فرهنگ نامه فارسی سعید نفیسی

۳- فرهنگ اشعار صائب، گلچین معانی

هر چه دید فراموش می‌کند (که مع سراع نخست آن این است «صورت نسبت در دل ما کینه کسی»<sup>(۱)</sup>) و اما دیگر مانند آئینه روشن‌اشتن، آئینه کج جمال ننماید. راست، روزگار، آئینه را محتاج خاکستر کند، آئینه گو مباش چو اسکندری نماند، آئینه کسی صاف نبودن و یا آئینه دلست سطرلاب را ز چرخ و ... که برای بیان بعضی موضوعات اجتماعی مردم ضرب المثل شده است.

و اما از جمله لطائفی که در آن آینه دارای نقش محوری است این هاست:

- می‌گویند بیابان نشینی آینه ندیده در راه آینه‌ای می‌یابد، چون در آن نگاه می‌کند خود را می‌بیند، آینه را بزمین مینهد و عذر خواه می‌گذرد و می‌گوید ببخشید نمی‌دانستم مال شماست.

- و یا: - کریمه المنظری آینه‌ای می‌یابد و چون خود را در آن می‌بیند می‌گوید زشت بودی که سر

راحت انداختند.

نیز گفته‌اند:

روستایی از شهر برای زنش که تا آن زمان آینه ندیده بود آینه‌ای به تحفه می‌برد، زن که در آینه

می‌نگرد، زنی جوان را می‌بیند و تصور می‌کند که شوهرش زنی دیگر گرفته و این تصویر اوست، پس به مادرش شکوه می‌کند و آینه بدست او می‌دهد پیرزن که نقش خود در آینه می‌بیند، به دخترش می‌گوید، دخترم غصه نخور، این عجزه‌ای که من دیدم هیچگاه نمی‌تواند جای تو را در دل شوهرت بگیرد.<sup>(۲)</sup>

بعلاوه در گفتگوهای متداول بین عوام الناس خاصیت درخشندگی و انعکاس آینه دستمایه

تشبیهاتی قرار گرفته؛ مثلاً حال نابسامان فردی را بعنوان آینه آینده دیگری می‌گویند و یا پاک دلی و صفای ذات و درون کسی را اگر بخواهند ملموس جلوه‌گر کنند با ذکر وجه شبه روشنی آن را به آینه تشبیه می‌کنند و یا وقتی قصد توصیه به پاک دلی و زنده‌دلی دارند، حذر از زنگار گرفتگی دل را یاد میکنند و ...

## آینه و خواب:

در کتاب التعمیر فی علم التعمیر است که:

۱- بیت از صائب تبریزی است

۲- ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که نطفه‌های شکل گرفته در هر زمان خود در حکم آینه‌ای است که منعکس کننده بخشی از روابط اجتماعی و روانی و فرهنگ مردم آن زمانه است.

و اگر بینند که نظر در آئینه همی کرد اندران خلاف کرده‌اند و گفته‌اند که آینه اندر تأویل مروت  
 شخص باشد بر قدر کوچکی و بزرگی و روشنی و تاریکی آن.

و اگر صورت یا محاسن خود اندر آینه زیباتر از آن بیند که باشد جاه و منصب یابد و عزیز گردد به  
 نزدیک خلق و نیز گفته‌اند که آینه اندر تأویل زن باشد و شکسته شدن آن موت زن باشد.

و اگر بیننده اندر عملی باشد معزول گردد.

و اگر عزب باشد زن کند.

و اگر زن وی غایب باشد حاضر شود.

و گفته‌اند آینه اندر تأویل دوستی باشد [۱۴ الف] که بیننده را بر عیبهای [ی] خود واقف گرداند. و  
 اگر بیند که نظر در پشت آینه همی کرد با زن صحبت کند اندر غیر محل خود، یا عملی طلبد نه از آن  
 روی که باید طلبید.

و اگر بیند که نظر در آینه کرد و جوانی را دید دشمنی جای وی بگیرد.

و اگر پیری را بیند دوستی را بیند

و اگر صورت زنی بیند آن دنیا باشد

و اگر فرج زنی را بیند از غم فرج یابد

و اگر بیند که آینه را همی زدایند در غمی باشد و طلب خلاص کند.

و اگر به صورت بنده خود را اندر آینه بیند وی بمیرد و بنده زن وی را کند،  
 و دیدن صورت خود اندر آینه به آفتاب و ماهتاب و ستاره و مانند آن دلالت کند که زن بیننده  
 فرزندی زاید به همانند وی، یا وی را با یکی از ایشان خصومت افتد و نصرت بیننده را باشد و گفته‌اند  
 نیز دلالت کند که زن وی را دوستی باشد که ایشان هر دو به نزدیک آن زن مقابل باشند.

و اگر بیند که در آینه نظر کرد و صورت خود را ندید وفات یابد.

و باز گفته‌اند نظر در آینه کردن دلالت کند که حق تعالی [۱۴ ب] ..... باقی از کتاب افتاده است.<sup>(۱)</sup>

و در کتاب تعبیر خواب ابن سیرین آمده است که: آینه در خواب مقام و فرمانروایی است اگر بیند

۱- التحیر فی علم التعمیر، منسوب به فخرالدین محمد بن عمر رازی، ص ۴-۱۵۳



به کسی آینه‌ای داد مال و کالای خود را نزد کسی میگذارد و اگر دید در آینه نقره نگاه میکرد از جاه و مقام و ذرمت و ناراحتی می‌بیند زیرا تعبیرکنندگان آینه نقره را ناپسند میدانند.<sup>(۱)</sup>

### ترکیبات لفظی با آینه: (آینه + لفظی دیگر)

از آنجائیکه با کمی مسامحه قریب به یکصد و پنجاه ترکیب اعم از اسمی، فعلی و تشبیهی با آینه از لابلای فرهنگها بدست آمده بنابراین در این قلم انداز پس از ذکر ترکیب توضیح بگونه بسیار مختصر در چند کلمه آورده خواهد شد و گاه گاه بعنوان شاهد مثال بی‌نی نیز ذکر میگردد.

آینه آسا - کنایه از صاف و روشن و آشکار مانند آینه

شاهد روحانیان ساخته بزم صبح آینه آسا شده باده به مجلس روان

یار فرو داشت دست آینه آسا ز رخ عقل درآمد ز پای دست به سر شد روان

(مجیر بیلقانی دیوان م، ۱۶۵)

آینه آسمان - کنایه از آفتاب است

زیورگردون گسست آینه آسمان سوخت ز عکس رخس طره شب در زمان

(مجیر بیلقانی دیوان م، ۱۶۴)

آینه آهن - صفحه‌ای صیقلی که کار آینه را میکرده

آینه آهن برای پوستهاست آینه سیمای جان سنگی بهاست

(مثنوی، )

### آینه اخلاص

شاه اسکندر و تو آینه اخلاصی از تو بر شاه شود صورت احوال عیان

واعظ قزوینی ۵۳۹

آینه اسکندر - آینه اسکندری: آینه‌ای بود از هنرهای ارسطو که بجهت آگاهی از حال فرنگ بر سر مناره‌ای در اسکندریه نصب شده بود.

آینه افروز - افروزی - مجلی، آینه زدای، آنکه آینه را روش کند. و پیشه آینه افروزی، آینه افروزی

۱- تعبیر خواب، ابن سیرین، ص ۱۸

آینه انسان: اصطلاح عرفانی در جهت اظهار کمال انسان بیان شده

روشنان آینه دل چو مصفا بینند      روی دلدار رآن آینه پیدا بینند  
از پس آینه دزدیده برویش نگرند      جان فشانند بر او کان رخ زیبا بینند  
در حقیقت دو جهان آینه انسانست      که بسو در رخ زیبایش هویدا بینند

(عراقی)

آینه بخت: آینه‌ای که داماد برای عروس بفرستد

آینه بندی (آینه بندان): عمل تزئین خانه و کوی با نهادن آینه بسیار بر دیوارها و جز آن

آینه بدن نما، آینه سراپانمای، قدنما، جامه نما، قدی همه به مفهوم آینه بزرگی که همه اندام در آن دیده شود.

لوح مزار دوستان پیش نظر نه و بین      صورت حال خود ازین آینه بدن نما

(واعظ قزوینی، دیوان، ص ۱)

آینه بینی: همانند کف بینی، فال دیدن از آینه

آینه پیل: آینه‌ای که روز جنگ بر پیشانی پیل بندند // جرس، درای و زنگ

۱- فروغ آینه پیل توبه روز نبرد      برون برد ز غمدار قمر غبار کلف  
بدر چاچی

۲- از ابر پیل سازم و از باد پیلوان      و ز بانگ رعد آینه پیل بی شمار  
منوچهری

آینه پرداز و آینه پردازی: همان آینه زدای، صیقلگر، زداینده زنگ از آینه، روشن کننده آینه

از ریاضت دل اگر آینه پرداز شود      چون صدف مخزن چندین گهر راز شود

(صائب کلیات، ۳۵۰)

آینه پوش، آینه پوشی: آن کسی یا آن جانوری که چهار آینه<sup>۱۱</sup> پوشیده یا بر آن پوشانده باشند، آینه

پوشی حالت آینه پوش بودن

آینه پیرا، آینه پیرایی: اسم مرکب و آینه پیرایی حالت آینه پیرای بودن، صیقلگر

۱- رجوع شود به زیر نویس صفحه ۱۳

آینه تاب: صفت مرکب، دارای نابشی چون آینه. آینه تابی: حالت آینه تاب

### آینه تاب عارض

کسی نتواند از حیرت، ترا برگرد سرگشتن کند آینه تاب عارضت سنگ فلاخن را

آینه تال: آینه که از تل یا تال سازند (برهان) در مفهوم آینه چینی از نظر معنا ظاهراً یکسان هستند.

آینه تصویر: آینه‌ای که بر پشت آن پیش از سیماب تصویر کشیده باشند و بدین سبب تمثال در آن نفوذ نتواند کرد

صلح کردیم به یک نقش ز نقاش جهان محو یک چهره چو آینه تصویر شدیم

(صائب)

### آینه تمثال نما: همان آینه تصویر و آینه تصویر نما

گر ثبات عالم صورت به این آئین بود خواهد از آینه تصویر هم تمثال رفت

صائب

آینه جان: نمودار خرد و بینش و کنایه از مرد کامل، مرشد راه حق، نیز کنایه از روح، نیروی معنوی آدمی

آینه آهن برای پوستهاست آینه سیمای جان سنگی بهاست

آینه جان نیست الا روی یار روی آن یاری که باشد آن دیار

(مولوی، مثنوی ۲، ۲۵۲)

حاکم حیدر قضا عالم جم مرتبه آینه جان و عقل عاقله انس و جان

(مجیر بیلقانی، دیوان م، ۱۶۷)

آن زنگ صفت مسی که از وی آینه جان منور آید

(شمس طبسی، دیوان ۲۹۰)

### آینه جام: کنایه از می صاف و روشن و تجلی ازلی به نظر عرفا

عکس روی تو چو در آینه جام افتاد عارف از خنده می در طمع خام افتاد

(حافظ دیوان، ۷۵)

آینه جمال: مرتبه ظهور و تجلی صفاتی است (اصطلاحات عرفانی)

### آئینه جمال ظفر

آئینه جمال ظفر اب تیغ اوست      دانداند کلید در فتح، خنجرش  
(واعظ قزوینی ۵۹۵)

### آئینه جمال شاهی

ای نسخه نامه الهی که تویی      وی آئینه جمال شاهی که تویی  
بیرون ز تو هر چه در عالم هست      در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی  
(مولوی - رباعیات/۱۷۶۱)

### آئینه جمشید: کنایه از جام جهان نما

عکس رخسار تو ساقی اگر افتد در می      جام می در نظر، آئینه جمشید شود  
(اهلی، کلیات، ۳۰۰)

### آئینه جوهر: کنایه از پاک سرشت بودن

آخرای آئینه جوهر، دیده‌ای بر خود گمار      صورت حق چند پوشی در پی رنگار دل  
(سعدی ۱۰۱۵/۱۶)

### آئینه چرخ: بمعنی آئینه آسمان است که کنایه از خورشید جهان آرا باشد.

خسرو چین از افق آئینه چین نمود      ز آئینه چرخ رفت زنگ شه زنگبار  
(خاقانی دیوان ۱۸۲)

ویا:

چنان مکن که برآید زجان درویش آه      که زنگ آئینه چرخ ز آه درویش است  
(عماد فقیه، دیوان، ۴۳)

ویا:

ترسد که ز آه عاشقان تو      آئینه چرخ آه گیرد  
(کمال الدین اسماعیل، ۵۹)

آئینه چینی = آئینه تال: آئینه ایست که از تال سازند و آنرا بعربی «سجنجل» گویند و آورده‌اند: آئینه از